

# خطبه‌های نماز جمعه ۱۴ خرداد ۱۴۰۰

## خطبه نخست

بسم الله الرحمن الرحيم

یکشنبه مصادف با شهادت امام صادق سلام الله علیه است، و امروز هم چهاردهم خرداد مصادف با رحلت حضرت امام رضوان الله تعالی علیه که عرض تسلیت دارم. حوادث تلخی است. ما که حادثه رحلت امام را تجربه کرده‌ایم، هیچ‌گاه تلخی آن از ذائقه ما بیرون نمی‌رود.

### امام معیار مدیریت انقلابی – اسلامی

اما خوب است که با توجه به نزدیکی انتخابات دعوت به **تقوا** را با اشاره‌ای به سیره اخلاقی حضرت امام در مدیریت خدمت شما عرض کنم. زیرا این سیره برای ما درس عملی تقواست.

**اولین نکته‌ای** که در امام بسیار بارز بود، و هرگز هم از آن کنار نبود، **ایمان** تام به خدای سبحان. **امام** جز برای خدا کار نمی‌کند و سخن نمی‌گفت و **جز** خدا را نمی‌دید. به این دلیل **تعهد** کامل به دین داشت و **فقط** در چارچوب دین و شریعت حرکت می‌کند و **تقوا** را به تمام کلمه آن رعایت می‌کند. **هم‌چنین** تأییدات و توفیقات الهی باور دارد و به این دلیل به **مردم** ایمان داشت.

**دومین** ویژگی امام از لحاظ **مدیریتی**، نگاه **تکلیف‌مدار** امام بود، **حضرت** امام بارها بیان می‌کردند که «ما مأمور به تکلیف هستیم نه مأمور به **نتیجه**». به این دلیل تا **لحظه** آخر حیات پربرکت‌شان در خط **تکلیف الهی** حرکت کردند و هرگز از **وظیفه الهی** خود تخطی نکردند، تا جایی که برای تکلیف الهی، حاصل عمر خود را هم فدا کردند.

**سومین** ویژگی این که ایشان به **حکومت** اصالت **نمی‌دادند**، و **شأن** و مقامی برای خود و حاکمان و کارگزاران نظام قائل نبودند. **امام** حکومت را برای انجام **وظیفه الهی** و اجرای احکام خدا و بسط شریعت و برقراری **عدالت اجتماعی** و تأمین **کرامت** انسانی و تحقق **توحید** عملی در روی زمین می‌دانستند، به و این دلیل **خود** را خدمتگزار می‌خوانند نه رهبر و امام.

از **نظر** امام سیاست و اقامه **حکومت**، یک تکلیف الهی است، نه یک **شغل** حرفه‌ای تا برای آن از هر راهی وارد شد.

امام عزیر ما به دلیل ایمان و توکل بالایی که داشتند، اعتماد بنفس و خون‌سردی و آرامش عجیبی در حوادث و بحران‌ها داشتند، نمونه آن شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی بود آن را از الطاف خفیه اسلام می‌دانستند که دیدیم چنین هم بود. یا در حوادث مختلف چون کودتای نوژه، جنگ تحمیلی و حوادث طوفانی انقلاب اسلامی، هرگز آرامش خود را ازدست ندادند. خودشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی فرمودند:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت شما خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.»

بنده فقط چند نکته از سیره مدیریتی امام را بیان کردم و خود شما نکات بسیاری در می‌توانید پیدا بکنید. اما همه این نکات در یک اصل جامع جمع است: امام عزیز ما مظهر تقوا بود، قلب و ذهن امام همواره ملاحظه خدا را می‌کند و مراقب بود که از دستورات الهی تخطی نکند. و همگی ما باید از امام درس بگیریم، به‌ویژه مسئولین نظام باید خود را با طراز امام هماهنگ کنند.

## خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

### دو معیار در انتخاب افراد از امام صادق سلام الله علیه

یکشنبه مصادف با شهادت امام صادق سلام الله علیه است، عرض تسلیت دارم به وجود اقدس امام زمان سلام الله علیه و به شما نمازگزاران عزیز و محترم.

به مناسبت این که شاخصه‌های رئیس‌جمهور اصلح را بیان می‌کنیم، روایتی از امام صادق سلام الله علیه بخوانم که شاخص مهمی به ما ارائه می‌دهد.

امام صادق (سلام الله علیه) در بیان معیار انتخاب افراد می‌فرماید:

«لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رَبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّىٰ لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنْ

اِخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ» [الكافی: ۱۰۴/۴]

«به نماز و روزه افراد فریفته نشوید؛ چه بسا که شخصی به نماز و روزه عادت کرده و ترک آن  
برایش وحشت‌آور و آزاردهنده است؛ بلکه آن‌ها را در مقام راست‌گویی و امانت‌داری آزمایش  
کنید.»

**دو** معیاری که اگر در افراد شناسایی بکنیم، **یقیناً** از انتخاب آن‌ها ضرر و زیانی به ما نمی‌رسد: **اول**: راست‌گویی؛  
با **مردم** روراست باشد و **اهل** خدعه و فریب نباشد. **دوم**: **امانت‌داری** که مسئولیت را امانت الهی و **امانت** و حق  
مردم بدانند و در امانت خیانت نکند، نه این‌که تصور کند که **طعمه** گیر آورده و باید خودش و خانواده‌اش از آن  
بیشترین بهره را ببرند.

### کلان‌شاخصه‌های رئیس‌جمهور اصلاح

**انتخابات ۱۴۰۰** نزدیک است، بنده بنا **دارم** که شاخص‌های ریاست‌جمهور **اصلاح** را از بیانات رهبری حکیم خدمت  
شما عرض کنم. **متأسفانه** خیلی از ما بیانات رهبری حکیم خود را استماع نمی‌کنیم یا نمی‌خوانیم، و به **همین**  
گزاره‌های کوتاهی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، بسنده می‌کنیم. **برخی** هم حوصله غور کامل در بیانات در  
طول زمان را ندارند و **حداکثر** آخرین بیانات معظم‌له را نگاهی می‌اندازند. اما **حقیقت** آن است که لازم است،  
**معیارها** را از همه بیانات گذشته و حال ایشان دسته‌بندی کرد. برای دسته‌بندی هم باید معیار داشت.<sup>۱</sup>  
**معیارهایی** که معظم‌له بیان می‌کنند، **چنان‌چه** خودشان فرمودند: **سطوح** مختلفی دارد، و **همگی** در یک سطح نیستند.  
باید **روابط** این معیارها را شناسایی کنیم، گاهی «**عموم و خصوص مطلق**» است که توضیح می‌دهم. و گاهی هم  
رابطه «**عموم و خصوص من وجه**» است.

اما **بنظر** بنده با دسته‌بندی و جمع‌بندی همه معیارها، می‌توانیم به **سه کلان‌معیار** برسیم و آن‌ها عبارتند از:

۱. **تدین** و ایمان

۲. **انقلابی‌بودن** و وفاداری به آرمان‌های انقلاب اسلامی

۲. **کارآمدی** و کفایت

معیار **اول** زیرمعیار است و بدون آن **دو** معیار دیگر حاصلی نخواهد داد. و **معیار دوم**، معیار **لازم** و معیار **سوم**،  
**معیار کافی** است. به تعبیر دیگر اگر **معیار اول** نباشد، **دو معیار** دیگر به کار نمی‌آید. اما **پس** از حصول **معیار نخست**،  
بین **دو** معیار انقلابی و کارآمدی **چهار** رابطه برقرار است، (۱) **برخی** انقلابی هستند، اما کارایی ندارند، (۲) **برخی**

کارایی دارند، اما انقلابی نیستند، (۳) برخی از هر دو معیار بی بهره هستند. هر سه این گروه‌های از کلان‌معیارهای رئیس‌جمهور اصلح بیرون می‌روند. (۴) اما برخی هم انقلابی هستند و کارایی هم دارند. فقط این گروه در دایره رئیس‌جمهور صالح می‌گنجد. <sup>ii</sup> به تعبیر دیگر بدون این سه معیار اصلی و زیربنایی؛ حصول شرایط دیگر، بی فایده است. <sup>iii</sup>

اما نکته مهم‌تر این است که این سه کلان‌معیار، مشکک هستند و صفر و صفر و صفر نیستند، بلکه در میان صفر تا صد در حرکت هستند. آن وقت سوال پیش می‌آید برای مثال ما بین دو نفر مخیر باشیم که (۱) یکی از حیث تدین و انقلابی ۳۰ است و از حیث کارایی ۷۰ و (۲) دیگری از حیث تدین و انقلابی ۷۰ است، اما کارایی او ۳۰ است؛ ما چه کسی را انتخاب کنیم؟ این جاست که باید به انتخاب عقلانی رو بیاوریم و اسیر احساسات نشویم. <sup>iv</sup>

باید بدانیم که ما در انتخابات رئیس‌جمهوری، هم‌چنین دیگر انتخابات‌ها نسبی عمل و انتخاب می‌کنیم. یعنی در بین کسانی که صلاحیت آن‌ها احراز شده است، باید یک نفر یا چند نفر را انتخاب کنیم و طبعاً صلاحیت‌ها را ملاحظه می‌کنیم و آن‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم و انتخاب می‌کنیم. البته توجه هم داریم که همه شاخص‌ها در یک نفر پیدا نمی‌شود. به این دلیل نیاز داریم که با جمع‌بندی معیارها بین صالح و اصلح انتخاب کنیم. <sup>v</sup>

نکته آخر این که برخی از شاخص‌ها، خصوصیات فردی است، چون دلسوز، مسئول، ساده‌زیست، دردآشنا، خستگی‌ناپذیر و... برخی شاخص‌ها مربوط به کارآمدی و برون‌داد کاری متخبران اصلح برای ریاست‌جمهوری است، چون: تدبیر و حکمت در کار و اجرا، برنامه و نگاه بلندمدت، همه‌جانبه، دارای سوابق مدیریتی بالا و نظایر آن.

پس ما سه کلان‌معیار داریم: یکی: تدین و ایمان، دوم انقلابی‌گری و وفاداری به آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ و سوم کارآمدی و کارایی و کفایت. معیار اولی زیرمعیار است و بدون آن نوبت به دو معیار دیگر نمی‌رسد. امکان ندارد کسی در جمهوری اسلامی مسئول شود، و معیار نخست را نداشته باشد و اگر چنین شود، این شخص هیچ مشروعیتی ندارد و باید از مسند کنار برود یا کنار گذاشته شود. و معیار دوم لازم است که بدون آن، شرایط و معیارها شود، ناقص می‌ماند. اما معیار سوم معیار کافی و بدون آن، دو معیار پیشین به کار ما نمی‌آید. پس با ما در انتخابات اصلح باید هر سه کلان‌معیار را لحاظ کنیم.

اما با توجه به سه کلان‌معیار بالا زیرمجموعه آن سه را بشرح ذیل عرض می‌کنیم:

## تدین و ایمان

۱. باایمان باشد: مومن به خدای تعالی باشد؛ خدای تعالی را همواره حاضر و ناظر بداند.
۲. باتقوا باشد، همواره اصلاح دائم درون داشته باشد. از بد اخلاقی انتخاباتی پرهیز کند و از شیوه‌های تبلیغاتی صحیح استفاده کند.
۲. دارای تهذیب اخلاق (در شخصیت و تبلیغات)
۳. دارای صداقت و روراستی باشد. در گفتار و کردار خود با مردم صادق باشد و نخواهد مردم را فریب بدهد.
۴. حکومت و مسئولیت را امانت الهی بداند که باید پاسخ لحظه به لحظه آن را بدهد.
۵. توکل بر خدا داشته باشد: بر مبنای توکل به خدا، منطق، عقل، منطبق با واقعیت‌ها، بدور از وعده‌های بی خود و بی جا حرکت کند.
۶. پاکدامن و دور از فساد باشد.

## انقلابی و وفاداری آرمان‌های انقلاب اسلامی

۱. حقیقتاً عدالت‌خواه (نه این که لقلقه زبان اسم عدالت آورده شود و فقط هم عدالت اقتصادی نیست، اهل اجرای عدالت و مبارزه با بی عدالتی باشد).
۲. تحول‌خواه (ذیل شاخص جهادی و انقلابی) به سمت احسن و عمل کرد انقلابی؛ (ولی با برنامه باشد و نه بلبشو و هرج و مرج)
۳. وفادار به استقلال
۴. وفادار به آزادی
۵. معتقد به اسلامی شدن دولت و جامعه
۶. پایبند به ارزش‌ها و دنباله‌رو راه امام (رحمه الله)
۷. به فکر ترقی و پیشرفت کشور (اعم از علمی و اقتصادی و ...) در عین غافل نبودن از اقشار مظلوم و ضعیف
۸. ضد فساد باشد، دور از اشرافی‌گری و ساده زیست باشد و متصل به مراکز ثروت و قدرت نباشد.
۹. مردمی باشد و به توانایی‌ها و نظرات مردم ایمان داشته باشد؛ درد آشنا باشد و به نسبت به درد مردم آگاهی و حساسیت داشته باشد.
۱۰. دلسوز باشد و احساس مسئولیت کند. اعتقاد و پایبندی به مدل اقتصادبومی (اسلامی - مقاومتی)

۱۱. در جهت آرمان‌های و پیشرفت کشور گام بردارد.

### **کفایت و کارآمدی**

۱. تلاش موفق؛ به گونه‌ای که مردم نشانه‌های توفیق را مشاهده کنند. انتظار معجزه و کار خارق العاده از مسئولان نیست، اما باید به صورت معقول کارا باشند.
۲. در مقابل زورگویان جهانی بایستند و تسلیم دشمن نشود و تملق‌گوی دولت‌های مستکبر نباشد.
۳. برای مردم بی‌هزینه باشد، موجب ایجاد تشویش و نگرانی در مردم نباشد.
۴. معتقد به توانمندهای داخلی باشد و نگاهش به بیرون مرزها نباشد.
۵. به مدل اقتصادبومی (اسلامی - مقاومتی) اعتقاد داشته باشد و پایبند باشد.
۶. مشی او دوری از اختلاف‌افکنی، گریبان‌گیری و میچ‌گیری در مقابل چشم مردم باشد.
۷. هوشمند و عزتمند: یعنی با تدبیر باشد، و حکمت را در برنامه‌ها و نگاه خود لحاظ کند، و برنامه و نگاه بلندمدت و همه‌جانبه به مشکلات و مسائل کشور داشته باشد. دارای برنامه راهبردی برپایه عزت، مصلحت و حکمت در سیاست‌های داخلی و خارجی باشد و برای رفع نیازهای جامعه و مردم بصیر و هوشمند و برتدبیر و بابرنامه باشد؛ نه این‌که شعارهای زیبا و توخالی بدهد.
۸. توان مدیریت لازمه مسئولیت را همراه با همت و مقتدر داشته باشد؛ شرایطی را که برای انجام مسئولیت‌ها در قانون اساسی معین شده دارا باشد.
۹. به قانون و نهادهای قانونی احترام بگذارد و التزام عملی داشته باشد. عزم راسخ برای اجرای قانون اساسی داشته باشد.
۱۰. سابقه و توانایی کار اجرایی در این سطح بالا داشته باشد؛ یعنی حد و اندازه لازم برای مسئولیت ریاست جمهوری و مدیریت کلان اجرایی کشور را داشته باشد.
۱۱. خستگی ناپذیر باشد؛ مدیریت جهادی داشته باشد.<sup>vi</sup>
۱۲. پرحوصله، بانشاط و امید، معتقد به جوان‌ها باشد.
۱۳. اتقان در کار داشته باشد<sup>vi i</sup> و پیگیری در کارها داشته باشد<sup>vi i i</sup>.

<sup>۱</sup> در معیار‌گزینی برای انتخاب اصلح بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری با سه رویکرد در میان ولایتمداران مواجه هستیم:

۱. آنانی که مدعی ولایت‌مداری هستند ولی متأسفانه اصلاً بیانات ایشان را خوب استماع نمی‌کنند، مکتوب بیانات را هم دنبال نمی‌کنند که بخوانند و فقط به صورت شعاری و به تعبیر خود مقام معظم رهبری (لقلقه زبانی) مدعی پیروی از رهنمودهای ایشان هستند.

۲. کسانی که معتقدند غور و بررسی عمیق در اندیشه‌های معظم‌له و کنکاش درازمدت لازم نیست و آخرین بیانات و همین معیارهایی که مثلاً اخیراً فرموده‌اند (دیدار با دانشجویان ۲۱ اردیبهشت و مجلس ۶ خرداد ۱۴۰۰) را کافی می‌دانند. اینان حتی تعقل در باب معیارها را بر نمی‌تابند. این دسته به نظر بنده حوصله لازم را ندارند! وگرنه عقلانی نیست که معیارهای کلی و همیشه مطمح نظر رهبری را در سال‌های متمادی نادیده بگیریم و فقط به آخرین‌ها توجه کنیم. مثلاً مقام معظم رهبری سال‌ها پیش گفته باشند که کفایت رئیس جمهور یعنی «وی آن شرایطی را که برای انجام این مسئولیت در قانون اساسی معین شده دارا باشد» حال چنانچه این فرمایش را در سخنرانی اخیر خود نگفته باشند؛ یعنی این شاخص ملاک عمل نباید باشد؟ طبیعتاً این‌طور نیست و باید همه شاخص‌ها را مدنظر گرفت.

۳. افرادی که معتقدند، معیارهای انتخاب اصلح یک‌جا در فرمایش ایشان یافت نمی‌شود و باید با مبانی دیدگاه‌های ایشان آشنا بود و معیارهای اخیر را بر سابقون افزود و همه را یک‌جا در نظر گرفت و انتخاب کرد. در ضمن تعقل و خردورزی در دسته‌بندی معیارها را لازم می‌دانند.

<sup>ii</sup> برخی از شاخص‌ها در نظر مقام معظم رهبری «لازمند»، و برخی «کافی». مثلاً شاخص‌های: انقلابی و جهادی تحول‌گرا و عدالت‌خواه و مردمی‌بودن و نظایر آن همگی لازمند؛ ولی برای انتخاب اصلح بدون کارایی نتیجه مطلوب دربرنخواهند داشت، بنابراین نیاز است که شاخص‌های کافی هم ضمیمه آن‌ها شوند. بنابراین شاخص‌های اصلی و زیربنایی را به دو دسته تقسیم می‌کنیم، بدون این شاخص‌ها فرد اصلاً مشروعیت ندارد:

«مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که

بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است،

بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت.» [دیدار خبرگان ۸۳/۶/۳۱]

همین تعبیر درباره عدالت هم آمده است...

<sup>iii</sup> برخی «فرعی» هستند و بدون همراه داشتن «اصلی‌ها» کارآیی را کاهش می‌دهد و کارآیی شرط کفایت در صالح‌بودن است.

«همه آنچه را برشمردیم، بدون آن عناصر اصلی، کارایی بسیار کمی خواهد داشت. آن عشق و ایمان و معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه را همراه کنید با این سازماندهی‌ها، آمادگی‌های رزمی، نگهداری‌های هوشمندانه‌ی ابزارهای

نظامی، و آمادگی برای به کارگیری آنها. [بازدیداز ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه ۸۳/۱۲/۱۹]

<sup>۴</sup> چند گزاره را باید در بیان معیارها توجه کرد:

الف- مقام معظم رهبری در بیان معیار و شاخص‌های انتخاب اصلح در انتخابات ریاست جمهوری، مفاهیم و اصطلاحاتی که به کار می‌برند به تعبیر خود ایشان در دیدار دانشجویی ۱۴۰۰/۲/۲۱ دارای سطوح مختلفی است و باید حلاجی شود.

«حالا این آرمان‌ها که البته باید متوجه به این آرمان‌ها باشیم و حرکت به سمت این‌ها بکنیم، سطوح مختلفی

دارند و ان شاء الله شماها بایستی در جلسات دانشجویی، در جلسات بحث و بررسی دانشجویی روی این‌ها کار

کنید و به جزئیات آن‌ها برسید. [دیدار تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱]

ب: گاهی شاخص‌ها «نسبت عموم و خصوص مطلق» به هم دارند، مثلاً شاخص: «اعتقاد به آرمان‌های انقلاب اسلامی» اعم است از شاخص‌های متعددی نظیر عدالت‌خواهی، مردمی‌بودن، ضدظلم بودن و اسلامی‌شدن جامعه و غیره. بنابر این مجموعه‌ای از این قسم شاخص‌ها در دل آرمان‌ها می‌گنجد.

«احسن‌الحال به نظر ما همان تقویت خطوط اصلی انقلاب و روان‌شدن حرکت به سمت آرمان‌ها است؛ یعنی

آرمان‌های انقلاب مثل عدالت، مثل استقلال، مثل اسلامی‌شدن جامعه، این‌ها آرمان‌های بزرگ و اساسی است.»

[همان]

ج: گاهی ایشان انتخاب شاخص‌ها را به حصر عقلی مخاطب و خردورزی ایشان می‌سپارد:

«به نظر می‌رسد باتوجه به رشد عقلانیت انتخاباتی در جامعه در طی برگزاری نزدیک به بیست و پنج انتخابات

و نیز رشد جامعه‌پذیری سیاسی، باید بگوییم در این انتخابات کاندیداها می‌بایست با شفافیت و صراحت وارد

عرصه انتخابات شوند. [دیدار با دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۱۰]

با حصر عقلی گاهی شاخص‌ها «نسبت عموم و خصوص من وجه» به هم دارند، مثلاً از دو شاخص «کار آمدی» و «شجاعت» که هر دو مطمح نظر ایشان است، «کار آمدی» اعم از «شجاعت» است یعنی هر شخص کارآمدی شجاع است ولی هر فرد شجاعی الزاماً کار آمد نیست. پس باید خود ولایت‌مداران استنتاج عقلی کنند که یک فردی که فقط از فضیلت شجاعت برخوردار است ولی کارآمدی ندارد برای ریاست جمهوری بهتر است یا فردی که شجاعتش در درجات پائین‌تری قرار دارد ولی کارآمد است. کدامیک اصلح برای ریاست جمهوری‌اند؟ یا بین دو شاخص «کفایت» و «انقلابی‌بودن» کدامیک ارجحیت دارد؟ می‌دانیم که بعضی از انقلابیون با کفایت هستند؟ آیا این گزاره درستی است؟

بله درست است! «همه انقلابیون با کفایت نیستند». و «همه با کفایت‌ها انقلابی نیستند». در نتیجه همه «انقلابیون»، «کفایت» لازم برای به انجام رساندن مسئولیت خطیر ریاست جمهوری را ندارند. در این‌گونه موارد باید انتخاب عقلانی انجام داد.

<sup>۷</sup> نسبی‌بودن انتخاب، یعنی بین احراز صلاحیت‌شدگان باید یک نفر را انتخاب کرد:



---

«مردم نگاه کنند به اظهارات داوطلبان محترمی که در این میدان وارد شدند، ما هم نگاه می‌کنیم؛ تشخیص بدهیم، ترجیح بدهیم، ببینیم آن کسی که می‌تواند برای انقلاب، برای کشور، برای آینده، برای عزت ملی، برای بازکردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه معاندان، و برای الگوکردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند، کیست؟ [سخنرانی دانشگاه امام حسین علیه السلام؛ ۹۲/۳/۶]

پس در مجموع کسانی که می‌خواهند صلاحیت‌ها را ملاحظه کنند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند، همه چیز را در کنار هم باید ببینند:

«کسانی هم که می‌خواهند صلاحیت‌ها را ملاحظه کنند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند، همه چیز را در کنار هم باید ببینند. رئیس جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پابند به قوانین و مقررات باشد - مجری قانون است - هم باید دردمردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ این‌ها خصوصیات است که در انتخاب آن کسی که ما می‌خواهیم کلید اجرائی کشور را به او بسپریم، نقش دارد. [دیدار دست اندرکاران انتخابات ۹۲/۲/۱۶]

بدیهی است که همه شاخص‌ها در یک نامزد جمع و حاضر نیست.

vi. «این مسئولیت‌ها اگر به‌طور جدی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هرچیزی جز انگیزه خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است؛ کار جهادی یعنی این؛ انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد، اولویت‌ها را باید نگاه کرد.»  
بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی [۰۴/۰۳/۱۳۹۳]

vii. «از یک کارگر ساده بگیرد، تا یک مأمور ساده اداری، تا یک مدیر عالی‌رتبه، تا یک صاحب صنعت مهم و بزرگ در کشور، تا یک مأمور عالی‌رتبه دولتی، تا یک معلم، تا یک دانشجو، تا یک مبلغ و روحانی، همه و همه احساس کنند این کاری که انجام می‌دهند یک عبادت و یک عمل خیر و صالح است. همه باید کارشان را با جدیت و به نیکی انجام دهند. از نبی اکرم صلوات الله و سلامه علیه نقل شده است که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فاتقنه»؛ رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و متقن و صحیح انجام دهد. [۰۱/۰۱/۱۳۷۴]

viii. «یکی از مشکلات عمده ما در کشور پیگیری نکردن است؛ کار را خوب شروع می‌کنیم [اما] پیگیری لازم همیشه وجود ندارد؛ در بعضی از موارد چرا؛ هرچا خوب پیگیری کردیم، به نتایج خیلی خوب رسیدیم، در بسیاری از جاها هم کار، وسط کار متوقف می‌شود، پیگیری نمی‌شود؛ این یکی از مشکلات اساسی است. هرکدام از شماها در بخش‌های مختلف، مدیریتی دارید؛ مدیران کشور باید به این مسئله توجه کنند که پیگیری بسیار مهم است.» [۱۷/۱۲/۱۳۹۳]